

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداسویمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>■ شایه: ۳۵-۱۷۳۵۱۷۳۷-۳۶۳۷۷ ■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir ■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir</p>	
<p>■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۰۴۰۰۰ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۲ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۳ ■ مور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۰۱۱۲۴۰-۳۰۰۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم</p>		<p>دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰ ۲۱ محرم ۱۴۴۳ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۶۰۱۹ Monday - August 30 , 2021</p>	
<p>■ امروز در تاریخ: افشای معاهده تقسیم ایران بین روسیه و انگلیس در دوره محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۶ش) ارتحال آیت‌الله شیخ حسنعلی نخودی اصفهانی (۱۳۳۱ش) انفجار در دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر (۱۳۶۰ش) / روز مبارزه با تروریسم در ایران درگذشت ناجی‌العلی، طراح و کاریکاتوریست معروف فلسطینی (۱۹۸۷م)</p>		<p>■ احد: هر که ما را به نصیحت ز تو می‌پیچد روی گوبه شمشیر که عاشق به مدارانرود</p>	
<p>■ اوقات شرعی: اذان ظهر: ۵:۱۳ اذان مغرب: ۵:۱۹/۵۵ اذان صبح (فردا): ۵:۰۸ طلوع خورشید (فردا): ۶:۳۶</p>		<p>■ وضعیت آب و هوای امروز: تهران: ۲۴ / ۳۳ اهواز: ۲۹ / ۴۶ اردبیل: ۱۳ / ۲۹ ایلام: ۲۰ / ۳۶ بوشهر: ۳۰ / ۳۹ زنجان: ۱۵ / ۳۲ زاهدان: ۱۸ / ۳۴ گرگان: ۲۶ / ۳۶</p>	
<p>■ حکمت ۲۷۲: هر که دوری سفر (آخرت) را به‌یاد داشته باشد، آماده می‌شود (تقوا و پرهیزکاری را شعار خویش قرار می‌دهد).</p>		<p>■ نهی‌الغله: هر که دوری سفر (آخرت) را به‌یاد داشته باشد، آماده می‌شود (تقوا و پرهیزکاری را شعار خویش قرار می‌دهد).</p>	

خودنویس

خبر رو به عقب

✎ اخبار همیشه دنیا را به سمت جلو می‌برند. اگر کسی باشید که هر روز صبح اخبار را چک کنید و هر شب اخبار تلویزیون‌های مختلف را با هم مقایسه کنید، این حرف را بهتر می‌فهمید. اخبار جدید باعث می‌شوند حسن‌کنید زمان‌دار رو به جلو حرکت می‌کند و همه چیز را با خودش می‌برد. رفتنی شبیه رفتن رود، شبیه رفتن قطره آبی که دیگر هیچ وقت در عمرش به آن نقطه از رودخانه که از آن گذر کرد نبرخواهد گشت. مثلاً امروز می‌شنوید که طالبان چند ولایت دیگر در افغانستان تصرف کرده، چند روز بعد می‌شنوید که انفجار در فرودگاه کابل جان عزیز بسیاری آدم را گرفته و همین‌طور با اخبار جلو می‌روید و تقویم روی میزتان ورق می‌خورد و پیرتر می‌شوید و به سمت آخر ماجرا که معلوم نیست کجاست راه‌تان را ادامه می‌دهید. اما بعضی خبرها مثل حسن‌کردن بوی یک عطر قدیمی‌اند. مثل وقتی که کسی در خیابان از کنارتان رد می‌شود و عطری را حس می‌کنید که می‌بردتان به ۲۰ سال قبل. می‌بردتان زمانی که هیچ‌کدام از این اخبار وجود نداشت و همه چیز یک جور دیگری در جریان بود. یک عطر خاطره‌انگیز می‌تواند یک قطره را برگرداند به آن نقطه‌ای از رودخانه که ۲۰ سال پیش از آن گذر کرده‌است. حالا که چند روز است که خبر رفتن کریستیانو رونالدو به منچستر یونایتد داغ‌شده به این فکر می‌کنم، به این‌که این خبر مثل همه خبرهایی که این روزها می‌شنویم به قدم به سوی روزهای آینده نیست. یک عطر قدیمی است که می‌تواند آدم را برگرداند به روزهایی که هیچ‌کدام از این اتفاقات تلخ نیفتاده‌بودند. روزهایی که تمام هم و غم‌مان همین بود که کریستیانو رونالدو را در ترکیب منچستربیونایت جا بدهیم و دسته خراب را قالب کنیم به همبازی‌مان و یک دست فوتبال کامپیوتری ببریمش و بستنی بعد از برد بچسبید به جان‌مان! کاش می‌شد تا چند وقت همین‌طور خبرهای رو به عقب بشنویم. به جای خبرهای رو به جلویی که روز به روز دنیا پیمان را وحشت‌ناک‌تر می‌کنند.

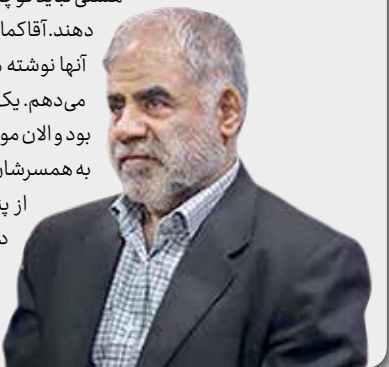
گفت‌وگو با رضا فراهانی از نزدیکان بیت امام راحل (ره) درباره شهید محمدعلی رجایی

امام این حادثه را پیش‌بینی کرده بود

✎ ۴۰ سال قبل در ساعت ۱۵ چنین روزی، صدای انفجار مهیبی تهران را لرزاند، ساختمان نخست‌وزیری منفجر شده بود و محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور، محمدجواد باهنر نخست‌وزیر و چند نفر دیگر به شهادت رسیدند. یک ماه قبل این حادثه یعنی هفتم تیر منافقان ساختمان حزب جمهوری اسلامی را منفجر کرده‌بودند و آیت‌الله بهشتی و ۷۲ هم‌حزبی‌اش را به شهادت رسانده بودند و حالا رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را شهید کرده بودند. آن هم رئیس‌جمهوری که بین مردم محبوبیت زیادی داشت و محرومان و مستضعفان به او چشم دوخته بودند که آنها را از سختی‌ها بیرون بیاورد و کمک‌شان کند زندگی بهتری داشته‌باشند. بنی‌صدر و منافقان اما یکی‌یکی اندیشمندان و شخصیت‌های مهم و انقلابی‌رایه شهادت می‌رساندند. در سال‌روز انفجار ساختمان نخست‌وزیری با حاج‌رضا فراهانی، یکی از محافظان امام راحل و نزدیکان به بیت ایشان هم‌صحبت شدم تا با مرور خاطراتش برایمان از شهید رجایی بگوید.

سبکی به نام ساده‌زیستی

شهید رجایی بسیار ساده‌زیست بود. این یک جمله شعاری و در مدح و تعریف او نیست یک واقعیت است. اعضای خانواده‌اش هم شبیه خودش بودند. یادم هست روزی خانم آقای رجایی به دیدار همسر امام (ره) آمده‌بودند، وقت رفتن به من گفتند با آقای انبانی که راننده بیت بود، ایشان را به منزل‌شان ببریم. وقتی رسیدیم، آقاكمال پسر شهید رجایی مشغول بستن ریشه و چراغانی کوچ به مناسبت نیمه‌شعبان بود. آقای انبانی به آقاكمال گفت: شما پسر رئیس‌جمهور هستی نباید کوچه را چراغانی کنی، به محافظان بگو این کار را انجام دهند. آقاكمال گفت: اگر آنها کوچه را چراغانی کنند نوابش برای آنها نوشته می‌شود نه برای من؛ پس خودم این کار را انجام می‌دهم. یک بار دیگر هم من رفتم در منزل‌شان که بهارستان بود و الان موزه شده، دیدم کولر آبی نصب کرده‌اند، خندیدم و به همسرشان گفتم خوب شد کولر خریدید و دیگر لازم نیست از پنکه استفاده کنید. گفت ما نخریده‌ایم، دامادم دید هوا خیلی گرم است برایمان کولر خرید. آقای رجایی در ظاهر ساده‌زیست نبود سبک زندگی‌اش ساده‌زیستی بود شعار نمی‌داد، عمل می‌کرد.



نشست سران برای مقابله با فساد

ششمین جلسه ستاد هماهنگی مقابله با مفاصد اقتصادی با حضور روسای سه قوه صبح روز گذشته تشکیل شد. در این جلسه اصلاح سیستم بانکی با سمت‌گیری تحرک بیشتر بانک‌ها و تحقق مکانیسم‌های نظارتی به‌منظور سالم‌سازی گردش پول و پیشگیری از سوءاستفاده سودجویان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. انجام مطالعات و تهیه مقدمات تحول سیستم دیوان محاسبات کشور از دیگر مسائل مورد توافق و تصویب سران سه قوه در این جلسه بود. (صفحه ۲)



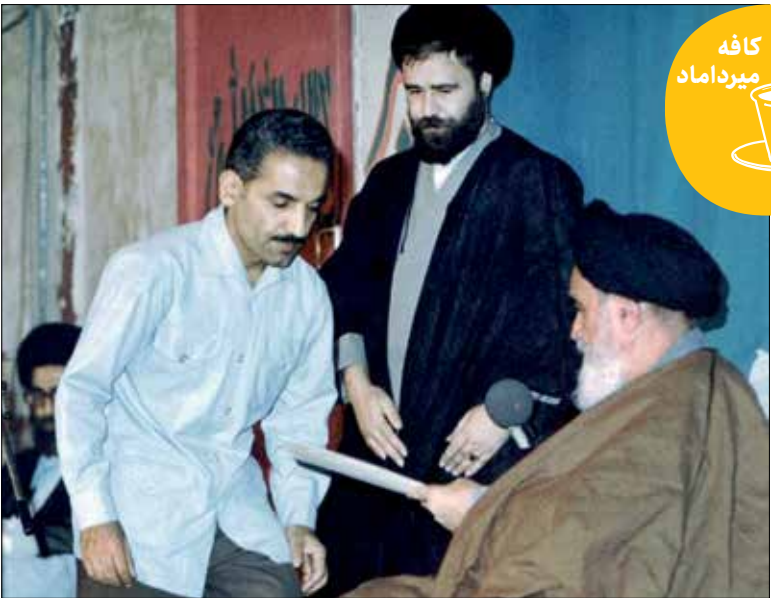
«باد ما را خواهد برد» در راه سینما

فیلم «باد ما را خواهد برد» ساخته عباس کیارستمی پاییز امسال در سینماها اکران می‌شود. این فیلم داستان گروه سازنده فیلمی است که به غرب کشور می‌روند تا از ساعات آخر زندگی پیرزنی در حال احتضار فیلمبرداری کنند. ساعت‌ها می‌گذرد اما پیرزن نمی‌میرد. اعضای گروه که ناامید شده‌اند وسایل‌شان را جمع می‌کنند و برمی‌گردند. پس از طی مسافتی به آنها خبر داده می‌شود که پیرزن فوت کرده... باد ما را خواهد برد را کیارستمی بعد از فیلم «طعم گیلان» ساخته. این کارگردان دغدغه زندگی بعد از مرگ را با طعم گیلان شروع کرده و در این فیلم ادامه می‌دهد. (صفحه ۳)

واگذاری خط تلفن همراه به بخش خصوصی

در آینده نزدیک پنج میلیون خط تلفن همراه در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد. قاسم رمضان‌پور، معاون حقوقی وزارت پست و تلگراف و تلفن گفت: این طرح در چارچوب برنامه توسعه سوم است. این برنامه ابعاد مختلفی دارد از جمله تغییر ساختار وزارتخانه و تغییر نام آن که قرار است تبدیل به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات شود. این تغییر نام به مقتضای تغییراتی است که در تمام دنیا صورت گرفته و ما هم باید همگام با این تغییرات پیش برویم. (صفحه ۴)

کافه میرداماد



که خبر شهادت آقای رجایی را به امام (ره) دادند من حضور نداشت‌ام اما بعدش که رسیدم امام را دیدم که به شدت متأثر و عصبانی بودند. این عصبانیت را یک بار دیگر در امام دیدم آن هم زمانی بود که زائران ایرانی خانه خدا در مکه کشته شدند. امام خمینی (ره) علاقه زیادی به شهید رجایی داشتند و او را انسانی عالم و متواضع می‌دانستند. مردی انقلابی که همه حواسش خدمت به ملت بود اما منافقان نگذاشتند او اهدافش را اجرایی کند.

✎ خیانت کشمیری

حاج آقا فراهانی درباره نقش کشمیری در شهادت آقای رجایی می‌گوید: اول این را بگویم که حاج‌احمد آقا در حفاظت از بیت امام بسیار دقیق بود. بعد از اتفاق هفت تیر، به همه محافظان دستورات جدیدی داده بود و به همه گفته بود قبل از ورود به چماران همه را تفتیش بدنی کنند و وسایل آنها را بگردند. یادم هست تاکید کرده بودند حتی نزدیکان امام را هم به دقت تفتیش کنید، حتی اعضای خانواده و نزدیکان را. از آن طرف کشمیری خود را به شدت به آقای رجایی نزدیک کرده بود و تبدیل شده بود به امین و دوست بسیار نزدیک ایشان. آقای رجایی همیشه نمازش را به موقع می‌خواند و اگر به دلیلی نمی‌توانست یکی از نمازهایش را به وقت اذان بخواند برای کفاره‌اش ۴۰ روز روزه می‌گرفت. شنیدم یک روز قبل از این‌که آقای رجایی برای نماز به نمازخانه برود، کشمیری پیش‌دستی می‌کند و اقامه می‌بندد. آقای رجایی که می‌بیند کشمیری به نماز ایستاده، پشت سر او می‌ایستد و نماز می‌خواند. روزی بعد از دستورات حاج‌احمد آقا برای حفاظت دقیق‌تر از بیت امام، آقای رجایی به همراه کشمیری به بیت می‌آیند برای دیدار با امام و ارائه گزارش. تمام گزارش‌ها و مکتوبات را آقای رجایی به کشمیری می‌دهد که بگذارد داخل کیف.

به در بیت که می‌رسند، مرحوم اسماعیل بابایی که

✎ مبارزی که به سخن نیامد

فراهانی درباره روحیه انقلابی‌گری شهید رجایی می‌گوید: سابقه زندان آقای رجایی به دوره‌ای برمی‌گردد که آیت‌الله رفسنجانی، آیت‌الله طالقانی و آقای لاهوتی هم در زندان شاه بودند و انواع شکنجه را تحمل می‌کردند. آقای لاهوتی تعریف می‌کرد روزی صدای ضجه و فریاد یکی از زندانیان را شنیدیم. فریادها چنان دردناک و بلند بود که نشان می‌داد زندانی زیر شکنجه‌های سختی است. وقتی مرا از راهرو عبور می‌دادند چشم‌بندم برای لحظه‌ای افتاد و دیدم آن زندانی آقای رجایی است. وقتی مرا به بندم بردند به هم‌بندی‌هایم که یکی از آنها آقای رفسنجانی بود گفتم رجایی زیر شکنجه دوام نمی‌آورد و همه ما را الو می‌دهد اما او آن همه شکنجه سخت را تحمل کرد و هیچ‌کس را لو نداد. ✎

داستان یادداشت‌های غزالی

✎ ابوحماد محمد غزالی، ملقب به حجت الاسلام و امام محمد غزالی و القاب دیگر که فیلسوف، متکلم، فقیه و در مجموع انسانی آگاه بود به نوشتن

آمُوخته‌هایش مشهور بود و هرچیز را که در هر زمینه می‌خواند و می‌آموخت در دفتری یادداشت می‌کرد تا بتواند در مواقع عندالزوم به آن مراجعه کند. از آنجا که در روزگار غزالی دفتر به شکل امروزی وجود نداشت، نوشته‌های غزالی حجم معتنا بهی را به خود اختصاص می‌داد که همواره در اتاق وی بود و در صورتی‌که می‌خواست برای مدتی طولانی به جایی برود آنها را با راقاطر و الاغ می‌کرد و با خود می‌برد. روزی از روزها ابوحماد غزالی تصمیم گرفت برای یک سفر علمی و ملاقات با دانشمندان به خطه ماوراءالنهر برود. پس بار سفر بست و کتاب‌ها و نوشته‌هایش را نیز بسته‌بندی و بار ا قاطر کرد و با کاروان ماوراءالنهر همراه شد. در مسیر راه‌زنان به کاروان حمله کردند و دار و ندارشان را به سرقت بردند. در این هنگام راهزنی سراغ غزالی رفت و از او خواست بار قاطرها را رایان بیاورد. غزالی گفت: اینها مشتی کاغذ است و به درد شما نمی‌خورد. راهزن گفت: همه چیز به درد ما می‌خورد.

غزالی گفت: همه مال و اموال را ببرید اما به اینها دست نزنید. راهزن که تصور کرده بود با محموله گرانبهایی مواجه شده، سرکرده دردان را صدا کرد. سرکرده راهزن سراغ غزالی آمد و با دیدن وی، وی را شناخت و گفت: مرا نشناختی؟ غزالی گفت: صورت خود را بر من نشناسم؟ چگونه بشناسم؟ سرکرده دردان گفت: من همانم که درس‌ها را به حافظه می‌سپردم اما تو به مدیر مدرسه گفתי که من مطالب را یادداشت نمی‌کنم و آنها نیز مرا اخراج کردند. در این هنگام سرکرده راهزنان گفت: حالا این جواب اون. وی سپس دستور داد یادداشت‌های غزالی را آتش‌زدند و به وی گفت: علمی که درذ ببرد به چه کار آید؟ غزالی نیز تصمیم گرفت از آن پس مطالب علمی را در دفتر جان خود بنگارد و بپهوده کاغذ سیاه نکند و برای کسی نیز سوسه نیاید.

هشدار درباره گرانی درمان

معاون درمان و داروی دانشگاه علوم پزشکی اهواز گفت: درمان باید رایگان و در اختیار مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر باشد. دکتر بیژن کیخایی گفت: تحمیل ۶۰ درصد بودجه درمان کشور به مردم به سلامت آنان لطمه زده است. گرانی هزینه‌های درمان و عدم ارائه خدمات درمانی متناسب با رشد بی‌رویه جمعیت بخش بیشتر مردم را از درمان بهیینه محروم کرده است. هم‌اکنون حدود ۸۰ درصد مردمی که به بخش‌های درمانی مراجعه می‌کنند از پرداخت هزینه درمان خود عاجزند. آنها نمی‌توانند در سبد خانوار خود پولی برای هزینه درمان قرار دهند. (صفحه ۱۷)

روایت جدید از زندگی گاندی

سانی دیول در فیلم «گاندی» بازی می‌کند. این فیلم اثر تاریخی است که بخشی از زندگی گاندی و تاریخ هند را روایت می‌کند. تاکنون حضور سانی دیول در نقش یکی از شخصیت‌های اصلی این فیلم قطعی شده است اما او بازیگر نقش گاندی نیست. دیول قبل از این در فیلم تاریخی «قدر» بازی کرده و توانسته این فیلم را به پرفروش‌ترین فیلم سینمای هند تبدیل کند. (صفحه ۳)

